

## راهبرد هسته‌ای اوپاما در قبال خاورمیانه

### قاسم ترابی<sup>۱</sup>

**چکیده:** راهبرد هسته‌ای خاورمیانه‌ای آمریکا بر چه اصول و محورهایی استوار است؟ آیا دولت اوپاما راهبرد هسته‌ای بوش در قبال خاورمیانه را تغییر داده است، یا همچنان همان اصول را به اشکال دیگری پی‌گیری می‌کند؟ راهبرد هسته‌ای آمریکا با روی کار آمدن دولت بوش و بروز رویدادهایی چون حملات ۱۱ سپتامبر و آشکار شدن توانمندی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی تغییرات اساسی نمود. دولت بوش با درک تهدید گسترش توانمندی هسته‌ای و آگاهی از این موضوع که نمی‌توان سایر کشورها را از داشتن انرژی هسته‌ای محروم کرد، الگوی جدید از هسته‌ای شدن را ارائه نمود. در این الگوی جدید، کشورها با کنار گذاشتن غنی‌سازی اورانیوم می‌توانند از حمایت‌های مشروط آمریکا برای داشتن انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای استفاده کنند. با روی کار آمدن اوپاما این راهبرد به شکل دیگری مورد پی‌گیری قرار گرفت که در آن عناصری از تغییر و تداوم مشاهده می‌شود. هدف مقاله حاضر تبیین الگوی هسته‌ای مورد نظر آمریکا و بررسی تداوم و تغییر در سیاست‌های دولت اوپاما در این زمینه است.

**واژگان کلیدی:** الگوی آمریکا، برنامه هسته‌ای، خاورمیانه، غنی‌سازی، راهبرد هسته‌ای، اوپاما، کشورهای عربی.

## مقدمه

ایالات متحده آمریکا طی یک دهه گذشته راهبرد هسته‌ای ویژه‌ای در قبال منطقه خاورمیانه در پیش گرفته است. محورهای این راهبرد شامل تلاش برای ایجاد اجماع بین کشورهای دارنده فناوری هسته‌ای بر سر اعمال نظارت بیشتر بر جریان نقل و انتقالات بین‌المللی مواد حساس، ایجاد "بانک سوخت هسته‌ای"<sup>۱</sup> و همچنین تشویق کشورها برای انصراف از داشتن چرخه سوخت هسته‌ای به شرط تامین آن از سوی آمریکا یا کشورهای دارنده چرخه سوخت است. اهداف آمریکا از این راهبرد شامل مواردی همچون مقابله با الگوی هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای، نظارت همه‌جانبه بر فرایندهای هسته‌ای کشورهای عربی، تأمین امنیت راهبردی رژیم صهیونیستی، تأمین منافع اقتصادی آمریکا، افزایش وابستگی کشورهای منطقه و گسترش نفوذ همه‌جانبه در ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی می‌باشد.

البته برخی بر این باورند که از مهم‌ترین علل تدوین راهبرد جدید هسته‌ای آمریکا بروز حوادث ۱۱ سپتامبر است (Pomper, 2010: 3). بروز حوادث ۱۱ سپتامبر علاوه بر آشکار نمودن قدرت تروریست‌ها و ضعف جامعه اطلاعاتی آمریکا، نشان داد که آمریکا تا چه میزان در مقابل تهدیدات تروریستی، به‌ویژه از نوع هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی آسیب‌پذیر است. به تعبیری دیگر، حادثه ۱۱ سپتامبر به یک‌باره احتمال حمله هسته‌ای به آمریکا توسط تروریست‌ها را افزایش داد و ضعف‌های امنیتی این کشور را در مقابل اقدامات بازیگران غیردولتی آشکار نمود (Cellman, 2002).

یکی دیگر از علل طرح راهبرد جدید هسته‌ای آمریکا آشکار شدن فعالیت‌ها و موفقیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و نگرانی مورد ادعای آمریکا از منحرف شدن آن به سوی ساخت تسلیحات هسته‌ای است. هر چند تاکنون هیچ سندی دال بر انحراف برنامه هسته‌ای ایران ارائه نشده است، با این وجود آمریکا و متحدانش این اتهام را ترویج می‌نمایند که فعالیت‌های صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران پوششی برای تقویت توانایی هسته‌ای و ساخت تسلیحات است. بدیهی است، نگرانی آمریکایی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران صرفاً به دلیل احتمال انحراف به سوی ساخت سلاح هسته‌ای نیست؛ در واقع نگرانی اصلی آمریکا در این زمینه، تبدیل شدن جمهوری اسلامی به یک الگوی موفق در سطح منطقه و جهان و در نتیجه گسترش تمایل کشورها برای داشتن فرایند کامل غنی‌سازی اورانیوم است. در این صورت، پیروی از

1. International Nuclear Fuel Bank

الگوی ایران که مطابق با قواعد بین‌المللی از جمله پیمان منع‌گسترش هسته‌ای است مورد توجه سایر کشورها قرار خواهد گرفت. اولین و مهم‌ترین پیامد این امر شکست راهبرد هسته‌ای آمریکا برای جلوگیری از گسترش هسته‌ای خواهد بود (Blanchard and Kerr, 2009: 8-9).

باتوجه به این نکات، در ادامه طی چند بخش به ارزیابی ابعاد و شاخصه‌های راهبرد جدید آمریکا پرداخته خواهد شد. سپس بر اساس موافقت‌نامه‌هایی که مطابق با الگوی جدید آمریکا بین این کشور و اعضای شورای همکاری خلیج فارس منعقد شده است، مهم‌ترین محورهای طرح الگوی آمریکا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در بخش آخر راهبرد اوپاما در این زمینه بررسی می‌شود و به این سؤال پاسخ داده می‌شود که اوپاما تا چه میزان در راهبرد هسته‌ای بوش در قبال خاورمیانه تغییرات داده است؟

#### ۱. راهبرد هسته‌ای بوش

به‌دنبال بروز حوادث ۱۱ سپتامبر، آشکارشدن برنامه هسته‌ای ایران و فعالیت‌های مخفیانه شبکه عبدالقدیرخان، اهمیت سیاست منع‌گسترش هسته‌ای برای آمریکا افزایش پیدا کرد. در واقع این رویدادها نشان داد که احتمال گسترش هسته‌ای به‌ویژه در مورد کشورها و گروه‌های ضدآمریکایی وجود دارد. به همین دلیل، دولت بوش برای ممانعت از هسته‌ای شدن سایر کشورها و کاهش احتمال ایجاد تروریسم هسته‌ای، بر اعمال دو سیاست در این حوزه تأکید نمود. سیاست اول ایجاد توافق بین کشورهای دارنده فناوری هسته‌ای در زمینه اعمال محدودیت‌های بیشتر بر نقل‌وانتقال مواد و فناوری‌های حساس هسته‌ای بود. سیاست دوم نیز ایجاد بانک سوخت هسته‌ای برای تامین سوخت کشورها به شکل مطمئن و در نتیجه کاهش احتمال غنی‌سازی اورانیوم به شکل بومی بود. در نهایت محور تمامی این سیاست‌ها محروم کردن سایر کشورها از دسترسی به چرخه هسته‌ای و تحت فشار قراردادن کشورهایی عنوان شد که به شکل بومی به دنبال کامل نمودن چرخه سوخت هسته‌ای هستند. در ادامه محورهای راهبرد هسته‌ای بوش به خصوص در قبال خاورمیانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱-۱. گسترش نظارت بین‌المللی

دولت بوش مدعی بود از جمله علل هسته‌ای‌شدن جمهوری اسلامی ایران و همچنین افزایش احتمال هسته‌ای‌شدن سایر کشورها، عدم اعمال نظارت جدی بر جریان نقل‌وانتقالات مواد حساس و کالاهایی می‌باشد که قابلیت استفاده دوگانه دارند. در

نتیجه در راهبرد هسته‌ای بوش ایجاد توافق با "گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای"<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از بهترین اقدامات عنوان شده بود. دولت بوش در راستای عملی‌نمودن این راهکار تلاش نمود تا در قالب سازمان‌هایی چون گروه ۸ و گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای به توافقاتی در این زمینه دست یابد. در سال ۲۰۰۴ بوش طی سخنرانی از کشورهای دارنده فناوری هسته‌ای خواست نظارت بیشتری بر انتقال مواد حساس داشته باشند. وی همچنین از این کشورها خواست صرفاً به کشورهای فناور هسته‌ای ارسال نمایند که قبلاً پروتکل الحاقی را پذیرفته‌اند (Group of Eight (G8), 2004).

در راستای تقاضای بوش، ۸ کشور صنعتی در اجلاس ژوئن سال ۲۰۰۴، خواهان ایجاد توافقات جدید با هدف اعمال نظارت بیشتر بر فرایند صادرات مواد حساس هسته‌ای شدند. نتیجه این تلاش‌ها ایجاد یادداشت تفاهمی یک ساله برای اعمال نظارت بیشتر بر صادرات مواد حساس بود که البته چندان با انتظارات آمریکا مطابقت نداشت. ضمن این که شرط امضای پروتکل الحاقی برای دریافت فناوری هسته‌ای که مدنظر دولت آمریکا بود، در این یادداشت تفاهم گنجانده نشده بود. علت مخالفت بعضی از کشورها با درخواست دولت بوش در این زمینه، تضاد درخواست‌های وی با مفاد روشن پیمان منع‌گسترش هسته‌ای بود. در این زمینه کشورهای چگون روسیه معتقد بودند که اعمال محدودیت بیشتر بر انتقال فناوری هسته‌ای به سایر کشورها در تضاد آشکار با مفاد پیمان منع‌گسترش قرار دارد. به علاوه به باور بعضی از دولت‌ها، اعمال محدودیت جدید می‌تواند باعث افزایش شکاف بین اعضای دارا و ندار پیمان منع‌گسترش و در نتیجه تضعیف جایگاه این پیمان و در نهایت فروپاشی آن گردد. ضمن این که عدم انتقال فناوری هسته‌ای برای کشورهای چگون روسیه و فرانسه به معنای از دست‌رفتن میلیون‌ها دلار بود (Group of Eight (G8), 2004).

## ۲-۱. تأسیس بانک سوخت هسته‌ای

از دیگر محورهای راهبرد هسته‌ای بوش، طرح ایجاد بانک سوخت هسته‌ای زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود. پیشنهاد ایجاد بانک سوخت هسته‌ای از سوی دولت بوش با هدف تشویق کشورها برای کنارگذاشتن چرخه سوخت کامل هسته‌ای مطرح شد. این طرح به دنبال آن بود تا از طریق ایجاد یک مرکز غنی‌سازی اورانیوم، مسئولیت تامین سوخت کشورها را برعهده گیرد و در این زمینه تضمین‌های لازم به تمامی

کشورها داده شود. هدف اصلی دولت بوش از این طرح، کاهش تمایل کشورها برای پی‌گیری چرخه سوخت داخلی و تحت فشار قرار دادن کشورهای چینی بود. به دنبال اعلان دولت آمریکا، بلافاصله بسیاری از کشورها، سازمان‌ها و کارشناسان پیشنهادهاى مختلفی برای ایجاد بانک سوخت هسته‌ای ارائه دادند. دولت بوش با رد تمامی طرح‌های ارائه شده، صرفاً با پیشنهاد ایجاد بانک سوخت هسته‌ای در روسیه و آمریکا زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی موافقت نمود. پیشنهاد آمریکا در این زمینه، ایجاد بانک سوخت هسته‌ای در خاک آمریکا بود که اورانیوم غنی‌شده با خلوص بالا را برای مصرف کشورها به اورانیوم کمترغنی‌شده تبدیل می‌کرد (IAEA, 2005: 1). طرح روسیه نیز ایجاد "مرکز بین‌المللی غنی‌سازی اورانیوم"<sup>۱</sup> زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در منطقه‌ای در سیبری با عنوان "انگارسک"<sup>۲</sup> بود. دولت بوش بر این باور بود که ایجاد بانک سوخت هسته‌ای می‌تواند باعث ایجاد "سازوکار جمعی برای دسترسی مطمئن به سوخت هسته‌ای"<sup>۳</sup> باشد، در نتیجه این طرح می‌تواند بهانه را از دست کشورهایی که می‌خواهند انرژی هسته‌ای بومی داشته باشد بگیرد (Daryl G. and Pomper, 2008: 11).

### ۳-۱. اولویت همکاری با روسیه

دولت آمریکا برای موفقیت راهبرد جدید خود همکاری با روسیه را به عنوان تاثیرگذارترین کشور هسته‌ای در اولویت قرار داد. در جولای ۲۰۰۶ بوش و پوتین توافق نمودند همکاری هسته‌ای دوجانبه را با هدف جلوگیری از گسترش هسته‌ای افزایش دهند. نمایندگان دو کشور شش ماه بعد بر سر چارچوب همکاری‌های بیشتر هسته‌ای توافق نمودند. در این اجلاس‌ها توافق شد کارشناسان دو کشور بر روی راکتورهای تحقیق نمایند که علاوه بر داشتن ایمنی بیشتر، احتمال کمی برای سوءاستفاده کشورها فراهم نماید. در نهایت در جولای ۲۰۰۷ پوتین و بوش توافق نمودند همکاری بیشتری برای گسترش استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، در کنار تلاش برای جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای داشته باشند. به باور دولت بوش، بهترین مدل برای رسیدن به این هدف، متقاعد نمودن سایر کشورها برای کنار گذاشتن فرایند چرخه سوخت در مقابل تأمین سوخت آن‌ها از طریق بانک سوخت هسته‌ای بود. روس‌ها نیز کم و بیش با توجه به منافع گسترده این طرح موافق سیاست آمریکا بودند. دو کشور در "اعلامیه

1. International Uranium Enrichment Center (IUEC)

2. Angarsk

3. Multilateral Mechanism for Reliable Access to Nuclear Fuel (RANF)

چارچوب استراتژیک<sup>۱</sup> در آوریل ۲۰۰۸ بر سر اصول یاد شده توافق نمودند. در این اعلامیه آمده است:

"ما از کشورهایی که به دنبال استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای هستند حمایت می‌نماییم. این کمک‌ها شامل ساخت نیروگاه و سایر تأسیسات زیربنایی و تضمین انتقال سوخت مورد نیاز می‌گردد. بنابراین، کشورهایی که از چرخه سوخت انصراف دهند می‌توانند به آسانی از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز بدون ایجاد نگرانی در عرصه بین‌المللی استفاده نمایند" (US-Russia Strategic Declaration, April 2008).

## ۲. طرح جدید هسته‌ای شدن

دولت آمریکا با توجه به شرایط بین‌المللی، تنها راه مدیریت خواست کشورها برای هسته‌ای شدن را ارائه الگوی جدید در این زمینه دانست. دولت بوش اعلان نمود از برنامه هسته‌ای کشورهایی که الزامات و محدودیت‌های آمریکا را بپذیرند، حمایت همه‌جانبه خواهد نمود. منظور از حمایت همه‌جانبه، ارائه کمک‌های فنی لازم برای ساخت نیروگاه هسته‌ای در کمترین زمان ممکن و تأمین عرضه سوخت زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. بنابراین منظور از الگوی جدید، حمایت از کشورهایی است که از غنی‌سازی در داخل انصراف می‌دهند، در مقابل از حمایت‌های آمریکا شامل ساخت نیروگاه هسته‌ای و تأمین سوخت بهره‌مند می‌شوند.

خاورمیانه و کشورهای حاشیه خلیج فارس به عنوان اولین منطقه برای اجرای راهبرد جدید آمریکا انتخاب شدند. همان‌گونه که گفته شد، یکی از دلایل اجرای الگوی جدید، مقابله با الگوی هسته‌ای شدن جمهوری اسلامی است؛ در نتیجه انتخاب کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با توجه به نزدیکی و رقابت آن‌ها با جمهوری اسلامی طبیعی به نظر می‌رسد. به علاوه توانایی مادی کشورهای نفت‌خیز عربی، از جمله علل دیگر انتخاب آن‌ها می‌باشد. به عنوان مثال، قرارداد ساخت ۴ نیروگاه هسته‌ای امارات که مطابق با طرح آمریکا است بیش از ۴۰ میلیارد دلار هزینه دارد که پذیرش این مبلغ برای هر کشوری مقدور نیست (Crail and Lasky-Fink, 2008:1-8). در ادامه به بررسی مهم‌ترین محورهای طرح الگوی آمریکا پرداخته می‌شود. این محورها عمدتاً از قراردادهای برگرفته از طرح الگوی آمریکا با کشورهایی همچون عربستان، کویت، امارات، قطر و بحرین اتخاذ شده‌اند. این محورها به خوبی نشان‌دهنده

راهبرد دولت آمریکا برای ارائه الگوی جدید از هسته‌ای شدن به خصوص در منطقه خاورمیانه هستند.

### ۲-۱. هسته‌ای شدن بدون غنی‌سازی

یکی از محدودیت‌هایی که آمریکا در قرارداد طرح الگو با تمامی کشورهای گنجانده است، انصراف کشور میزبان از حق غنی‌سازی اورانیوم می‌باشد. به عنوان مثال، می‌توان به توافق هسته‌ای آمریکا با امارات، عربستان، بحرین، کویت و قطر اشاره نمود که در تمامی آن‌ها به صراحت کشورهای میزبان از داشتن غنی‌سازی اورانیوم انصراف داده‌اند. آمریکایی‌ها حتی به چنین تضمینی اکتفا ننموده‌اند و از این کشورها خواسته‌اند تا این مسئله را به شکل قانون در سطح ملی به تصویب برسانند. امارات عربی متحده به عنوان اولین کشوری که از طرح جدید آمریکا پیروی نمود، قانونی ملی را به تصویب رساند که بر اساس آن غنی‌سازی اورانیوم در داخل خاک این کشور غیرقانونی اعلان شد (Blanchard and Kerr, 2009).

در واقع این بند مهم‌ترین خواسته‌ای است که دولت آمریکا از کشورهای میزبان دارد. طرح این خواست در شرایطی است که مطابق مفاد پیمان منع گسترش هسته‌ای، تمامی کشورهای عضو حق غنی‌سازی اورانیوم و داشتن چرخه سوخت هسته‌ای به‌طور کامل را دارند. در نتیجه کشورهایی که قرارداد هسته‌ای با آمریکا را امضا می‌کنند از حقوقی که پیمان منع گسترش هسته‌ای برای آن‌ها در نظر گرفته است، انصراف می‌دهند. به عبارت دیگر، برای چنین کشورهایی پیمان منع گسترش هسته‌ای صرفاً شامل تعهدات می‌گردد. این تعهدات شامل نظارت همه‌جانبه آژانس بر برنامه‌های هسته‌ای آن‌ها می‌گردد. همین مسئله نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها به دنبال انجام تغییرات ساختاری در مفاد پیمان منع گسترش هسته‌ای هستند. مهم‌ترین بند مورد توجه آمریکایی‌ها بندی است که غنی‌سازی اورانیوم برای مصرف صلح‌آمیز را حق همه کشورها می‌داند.

### ۲-۲. پذیرش پروتکل الحاقی

یکی دیگر از شروط آمریکا برای بستن قرارداد با کشورهایی که خواهان دسترسی به انرژی هسته‌ای مطابق با الگوی آمریکا هستند، پذیرش پروتکل الحاقی است. براساس مفاد پروتکل الحاقی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ناظر بر بازرسی‌های سر زده از تأسیسات هسته‌ای و حتی سایر تأسیسات نظامی کشورها است. از نظر آمریکا، سازوکار قدیمی نظارت و بازرسی آژانس فاقد کارایی لازم در مقابل پنهان‌کاری کشورها است.

آمریکایی‌ها معتقدند در مورد لیبی، سوریه و عراق، سامانه نظارت آژانس عدم کارایی خود را نشان داد. به همین دلیل، دولت آمریکا خواهان انجام اصلاحات بنیادین در سامانه بازرسی و نظارت آژانس می‌باشد. یکی از اقدامات آمریکا برای بالابردن کارایی سازوکارهای نظارتی آژانس، تصویب پروتکل الحاقی بوده است. در این راستا، کشورهایی که با آمریکا توافق هسته‌ای منعقد می‌کنند، می‌پذیرند که پروتکل الحاقی را تصویب نمایند. بدین ترتیب با تصویب پروتکل الحاقی، آژانس بین‌المللی اتمی نظارت بیشتری بر تمامی فعالیت‌های هسته‌ای این کشورها پیدا می‌کند، تا هرگونه احتمال پنهان‌کاری از بین برود (Blanchard and Kerr, 2009). به عنوان مثال، دولت آمریکا زمانی یادداشت تفاهم هسته‌ای با امارات عربی متحده را امضا نمود که این کشور تعهد داد در کوتاه‌ترین زمان ممکن پروتکل الحاقی آژانس را تصویب نماید. امارات برای جلب نظر آمریکا نه تنها پروتکل الحاقی آژانس را امضا نمود بلکه برای کسب رضایت کنگره آمریکا "پروتکل کمیت اندک" را نیز امضا نموده است. پروتکل کمیت اندک در مورد کشورهایی است که هیچ‌گونه امکانات هسته‌ای و همچنین تأسیسات مرتبط با آن را ندارند (IAEA Report, 2005: 22).

### ۳-۲. بازگرداندن زباله‌های هسته‌ای

تضمین انتقال زباله‌های هسته‌ای، یکی دیگر از مواردی محسوب می‌شود که در تمامی توافقات هسته‌ای برگرفته از طرح الگوی آمریکا، تأکید خاصی بر آن صورت گرفته است. به باور آمریکایی‌ها تعهد کشور میزبان به بازگرداندن اورانیوم مصرف شده، یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که احتمال سوءاستفاده را از بین می‌برد. این شرط در یادداشت تفاهم هسته‌ای آمریکا با امارات، بحرین، عربستان، کویت و قطر دقیقاً بیان شده است. اهمیت انتقال زباله‌های هسته‌ای به حدی می‌باشد که در موافقت‌نامه هسته‌ای بین ایران و روسیه نیز بر این مسئله تأکید شده است. در توافق هسته‌ای ایران و روسیه، طرف ایرانی پذیرفته که برای کاهش نگرانی‌های بین‌المللی، زباله‌های هسته‌ای نیروگاه بوشهر را به روسیه بازگرداند (Blanchard and Kerr, 2009).

### ۴-۲. نظارت بیشتر بر صادرات و واردات

یکی از نگرانی‌های آمریکا در عرصه هسته‌ای، احتمال انتقال مواد، تأسیسات و یا کالاهای با کاربرد دوگانه از کشورهای دارنده فناوری هسته‌ای به سایرین است.



آمریکایی‌ها برای کاهش این نگرانی با کشورهای چینی، روسیه، فرانسه، انگلستان و چین توافق نمودند که نظارت بیشتری بر این مسئله داشته باشند. به علاوه آمریکایی‌ها برای کاهش احتمال انتقال مواد حساس هسته‌ای، خواهان آن شده‌اند که تمامی کشورهای اعم از هسته‌ای و غیرهسته‌ای نظارت بیشتری بر صادرات و واردات خود داشته باشند. حتی در دوران بوش تلاش شد یک موافقت‌نامه بین‌المللی برای نظارت بیشتر بر صادرات و واردات مواد حساس ایجاد شود. طبیعتاً این نگرانی در مورد کشورهای که با آمریکا توافق هسته‌ای دارند و قرار است پیشرفته‌ترین فناوری‌های هسته‌ای را به دست آورند با شدت بیشتری وجود دارد. به همین دلیل، آمریکایی‌ها در تمامی قراردادهای و موافقات هسته‌ای خود که براساس طرح الگو بسته شده است از کشور میزبان تعهدات جدی برای نظارت بر صادرات و واردات گرفته‌اند. به عنوان نمونه، در توافق هسته‌ای آمریکا با امارات که از آن تحت عنوان توافق ۱۲۳ یاد می‌شود، طرف اماراتی تعهد داده است که نظارت همه‌جانبه و جدی بر صادرات مواد حساس داشته باشد. با این وجود، آمریکایی‌ها هنوز نگرانی جدی در این زمینه دارند. اماراتی‌ها حتی برای جلب نظر کنگره آمریکا قانونی ملی را به تصویب رساندند که نظارت شدیدی بر صادرات این کشور ایجاد می‌کند. به هر حال هنوز عده‌ای در کنگره آمریکا نسبت به احتمال انتقال مواد حساس از امارات به سایر کشورهای منطقه از جمله ایران ابراز نگرانی می‌کنند. بنابراین، یکی دیگر از محورهای اصلی طرح الگوی آمریکا، تعهد کشور میزبان برای اعمال نظارت بیشتر بر صادرات مواد حساس و کالاهایی است که استفاده دوگانه دارند (Blanchard and Kerr, 2009).

#### ۵-۲. حق فسخ یک‌جانبه توافق

در تمامی یادداشت‌تفاهم‌هایی که آمریکا براساس طرح الگو با کشورهای میزبان منعقد نموده است، شرطی برای فسخ یک‌جانبه قرارداد وجود دارد که اختیارات گسترده‌ای به آمریکا می‌دهد.

براساس این شرط، هرگاه احساس شود که کشور میزبان از امکانات ارائه شده در راستای اهداف غیرصلح‌آمیز استفاده می‌کند، آمریکایی‌ها می‌توانند یک‌جانبه تعهدات خود را اجرا نمایند. در نتیجه، هرگاه طرف آمریکایی برداشت انحراف برنامه هسته‌ای را داشته باشد، نه تنها تعهدی به کشور میزبان ندارد، بلکه می‌تواند کمک‌ها و امکانات داده شده را پس بگیرد. چنین شرایطی در تمامی توافقات‌های هسته‌ای آمریکا با کشورهای که خواهان اجرای الگوی جدید بوده‌اند آورده شده است (Daryl G. & Pomper, 2008: 11).

### ۲-۶. تعهدات آمریکا

در مقابل تعهدات بالا، دولت آمریکا تعهد می‌دهد از برنامه هسته‌ای کشور میزبان حمایت نماید. مهم‌ترین تعهد دولت آمریکا در این زمینه، تضمین کمک به ساخت نیروگاه هسته‌ای و همچنین تضمین ارائه و تأمین سوخت مورد نیاز کشور میزبان است. در تمامی قراردادهای هسته‌ای که آمریکایی‌ها تاکنون بسته‌اند تعهدات زیر را بر عهده گرفته‌اند:

- توسعه همکاری در زمینه ساخت نیروگاه هسته‌ای و همچنین سایر امکانات مرتبط با آن؛
- همکاری در زمینه تشویق ساخت زیربنای تولید سوخت قابل اتکا برای نیروگاه آب سبک؛
- آموزش در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و همچنین در ساخت تأسیسات و امکانات هسته‌ای و آموزش نیروی انسانی؛
- همکاری در زمینه امنیت هسته‌ای و منع گسترش، شامل اقداماتی در زمینه حفاظت فیزیکی، امنیت مرزی و همچنین نظارت بر صادرات؛
- حمایت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشور میزبان با هدف تأمین سوخت و همچنین ممانعت از گسترش هسته‌ای؛
- همکاری در زمینه مدیریت زباله‌های رادیواکتیو و شناسایی منابع اورانیوم کشور میزبان؛
- همکاری در زمینه مبادله اسناد و اطلاعات هسته‌ای؛
- مبادله کارشناس و تکنولوژی هسته‌ای؛
- سازمان‌دهی کنفرانس‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی مرتبط یا بحث هسته‌ای؛
- انتقال مواد، تأسیسات و امکانات هسته‌ای (8: Nikitin, 2010).

### ۳. راهبرد هسته‌ای اواما

با روی کار آمدن اواما با توجه به شعارهای وی در مورد ایجاد تغییرات اساسی و همچنین حمایت از خلع سلاح هسته‌ای، عده‌ای انتظار تغییراتی اساسی در راهبرد هسته‌ای آمریکا را داشتند. با این وجود، دولت اواما تقریباً همان راهبرد هسته‌ای بوش را البته با تغییرات محدودی در اولویت خود قرار داد. در واقع از منظر راهبردی اواما تغییر چندانی در سیاست هسته‌ای آمریکا نداده است، هر چند از نظر تاکتیکی تغییراتی ایجاد شده است. علت این امر آن است که راهبرد هسته‌ای اواما، همچون راهبرد هسته‌ای بوش، به شدت تحت تاثیر رویدادهای مهم سال‌های ۲۰۰۰ به بعد قرار دارد. همان‌گونه

که گفته شد، آشکارشدن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۳، فعالیت‌های مخفیانه شبکه عبدالقدیرخان و همچنین بالارفتن احتمال شکل‌گرفتن تروریسم هسته‌ای، مهم‌ترین عوامل تغییر در راهبرد هسته‌ای آمریکا بوده‌اند که در دوران اوپاما نیز کاملاً تأثیرگذار هستند (Pomper, 2010: 3).

### ۳-۱. تداوم راهبرد گذشته

دولت اوپاما با توجه به تداوم شرایط امنیتی و متغیرهای تأثیرگذار، تقریباً همان سیاست‌های بوش را در اولویت قرار داده است. دولت اوپاما به شدت از طرح الگوی هسته‌ای شدن بوش حمایت نموده و آن را بهترین الگو برای تمامی کشورهای دانسته که می‌خواهند از انرژی هسته‌ای بدون ایجاد نگرانی در عرصه جامعه بین‌المللی استفاده نمایند. حمایت دولت اوپاما از توافقات هسته‌ای با امارات که در دوران بوش بسته شده بود در این راستا قرار دارد. همچنین می‌توان به سیاست همکاری هسته‌ای با روسیه اشاره نمود که در نهایت منتهی به امضای توافق استارت جدید شد. ضمن این که دولت اوپاما همچون دولت بوش حساسیت و نگرانی فراوانی در مورد گسترش هسته‌ای دارد و به شدت از افزایش نظارت بر نقل و انتقالات مواد حساس توسط "گروه عرضه‌کنندگان هسته‌ای" و تشکیل "بانک تامین سوخت هسته‌ای" حمایت نموده است. همان‌گونه که گفته شد، دولت بوش تلاش گسترده‌ای نمود تا سایر کشورهای قدرتمند را متقاعد نماید تا بر سر انتقال مواد حساس هسته‌ای محدودیت‌های بیشتری اعمال نمایند. همچنین بوش به کشورهایی که خواهان غنی‌سازی اورانیوم بودند فشار می‌آورد تا به شکل داوطلبانه از غنی‌سازی اورانیوم انصراف دهند (Bush, 2004). البته طرح بوش برای انصراف داوطلبانه از داشتن چرخه سوخت هسته‌ای به دلایل متعدد مورد مخالفت بسیاری از کشورها قرار گرفت. از جمله بسیاری از کشورها طرح ایجاد بانک سوخت هسته‌ای را تلاشی دیگر برای حفظ برتری اتمی غرب و همچنین زمینه‌ای جدید برای وابستگی سیاسی و امنیتی سایر کشورها به آمریکا و متحدانش می‌دانستند. به علاوه، طرح بوش مخالف مفاد پیمان منع گسترش هسته‌ای مبنی بر داشتن چرخه سوخت هسته‌ای برای تمامی کشورها بود؛ در نتیجه نوآوری‌های هسته‌ای وی کم‌وبیش با مخالفت‌های بسیاری مواجه شد و نتوانست آن‌گونه که انتظار می‌رفت موفقیتی کسب نماید.

دولت اوپاما تلاش نمود برای موفقیت بیشتر، سیاست بوش را با رویکردی جدید دنبال نماید. دولت اوپاما مانند دولت بوش به شدت از طرح ایجاد بانک سوخت هسته‌ای حمایت نموده و در این زمینه همکاری‌های فراوانی با کشورهای تأثیرگذار و صاحب

فناوری هسته‌ای چون روسیه داشته است. به علاوه، اوباما خواهان ایجاد قواعد سخت‌تر و بیشتر برای نظارت بر نقل و انتقالات کالاها و مواد حساس شده است. همچنین اوباما از سیاست هسته‌ای بوش در خاورمیانه مبنی بر حفظ انحصار هسته‌ای رژیم صهیونیستی و جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای حمایت نموده است. سیاست دیگر بوش در خاورمیانه حمایت از برنامه‌های هسته‌ای کشورهای بود که به شکل داوطلبانه از چرخه سوخت هسته‌ای انصراف می‌دادند که این سیاست نیز مورد حمایت دولت اوباما قرار گرفته است.

### ۲-۳. تغییرات تاکتیکی

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های دولت بوش و اوباما در نوع نگاه به خلع سلاح جهانی است. اوباما برخلاف بوش حداقل در سطح اعلانی طرفدار خلع سلاح جهانی است. دولت اوباما با هدف نشان دادن تمایل آمریکا در زمینه خلع سلاح هسته‌ای، اقداماتی را در این زمینه در اولویت قرار داده است. توافق استارت جدید با روسیه یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت اوباما در این زمینه محسوب می‌شود. دولت بوش نه تنها توجهی به کاهش تسلیحات هسته‌ای نداشت، بلکه مخالف هرگونه اقدام در این زمینه بود و حتی طرح گسترش تسلیحات هسته‌ای آمریکا و حملات پیشگیرانه هسته‌ای را به عنوان سیاست رسمی آمریکا در اولویت قرار داده بود (Nuclear Posture Review, 2002: 1-25). در نتیجه در آن زمان بسیاری از کارشناسان بر این باور بودند که از جمله علل ناکامی راهبرد هسته‌ای بوش، عدم توجه وی به انتقاد کشورهای غیرهسته‌ای بوده است. انتقاد کشورهای غیرهسته‌ای از سیاست‌های دولت بوش، به عدم توجه وی به مسئله خلع سلاح و یا حداقل کاهش هسته‌ای برمی‌گشت. این کشورها مدعی بودند طرح‌های دولت بوش چون ایجاد بانک سوخت هسته‌ای و انصراف سایر کشورها از چرخه سوخت هسته‌ای زمانی معنا و مفهوم می‌یابد که دولت آمریکا نیز اقداماتی را در راستای خلع سلاح در اولویت قرار دهد.

باتوجه به این انتقادات، در راهبرد هسته‌ای اوباما برای ایجاد زمینه مثبت‌تر و همراه نمودن سایر کشورها با سیاست‌های آمریکا، تأکید خاصی بر فرایند خلع سلاح هسته‌ای می‌شود. در این راستا، دولت اوباما خود را به عنوان یکی از مهم‌ترین حامیان ایده "جهان عاری از تسلیحات هسته‌ای"<sup>۱</sup> معرفی نموده است (Nuclear Posture Review, 2002: 5). هدف اوباما از اجرای همزمان این سیاست‌ها و حمایت از خلع

سلاح هسته‌ای، فراهم نمودن شرایط مساعدتر برای همکاری بین‌المللی با هدف اعمال محدودیت‌های بیشتر بر کشورهای است که قصد داشتن چرخه سوخت هسته‌ای را دارند (Pomper, 2010: 3).

تفاوت دیگر دولت بوش و اوپاما به نگاه متفاوت آن‌ها در زمینه نقش انرژی هسته‌ای برمی‌گردد. در دولت بوش انرژی هسته‌ای بیشتر به عنوان عاملی برای افزایش "امنیت انرژی"<sup>۱</sup> و در نتیجه کاهش نگرانی‌های آمریکا از وابستگی به نفت خاورمیانه مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. در مقابل، تلاش اوپاما برای گسترش استفاده از انرژی هسته‌ای، در کنار محدود نمودن استفاده غیرصلح‌آمیز از آن، بیشتر با هدف کاهش نگرانی جامعه آمریکا در مورد وضعیت آلودگی صورت می‌گیرد. لازم به ذکر است که یکی از مهم‌ترین محورهای برنامه‌های انتخاباتی اوپاما، در پیش‌گرفتن اقداماتی برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای بود. به همین دلیل از جمله سیاست‌های اوپاما گسترش جایگزینی انرژی هسته‌ای به جای سوخت‌های فسیلی و کاهش نگرانی‌ها در این حوزه است (Obama and Biden, 2010). در این راستا، اوپاما طی یک سخنرانی در اجلاس پراگ بیان داشت:

"ما باید چارچوبی جدید برای استفاده از انرژی هسته‌ای ایجاد نمایم؛ چارچوبی که در آن بر تامین سوخت مورد نیاز تمامی کشورها از طریق بانک سوخت هسته‌ای تاکید شده باشد. تمامی کشورها حق داشتن انرژی هسته‌ای را دارند، اما این امر باید با انکار تلاش برای ساخت تسلیحات هسته‌ای همراه باشد. بنابراین هرچند گسترش استفاده از انرژی هسته‌ای با توجه به مشکلات زیست‌محیطی باید در اولویت ما باشد؛ اما این امر نباید منجر به دستیابی کشورهای بیشتری به تسلیحات هسته‌ای گردد. در نتیجه طرح ایجاد بانک سوخت هسته‌ای برای تامین سوخت تمامی کشورها، بهترین ایده در این زمینه محسوب می‌شود" (Obama, 2009: 5-7).

با این وجود، حمایت گسترده اوپاما از تأسیس بانک سوخت هسته‌ای و مدل هسته‌ای شدن پیشنهادی آمریکا، با مشکلاتی مواجه بوده است. در اجلاس سال ۲۰۰۹ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دو پیشنهاد در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت که هر دو با انتقادات کشورهای در حال توسعه همراه گشتند. این طرح‌ها شامل طرح روسیه برای ایجاد بانک سوخت هسته‌ای در سیبری با ظرفیت ۱۲۰ تن و همچنین طرح ۶۰ تا ۸۰ تنی آژانس می‌گردید که هر دو با انتقاداتی از سوی کشورهای در حال توسعه همراه شدند. کشورهای در حال توسعه طرح آژانس و روسیه را عاملی برای محدود نمودن حق

کشورها در زمینه داشتن چرخه سوخت هسته‌ای می‌دیدند و این طرح‌ها را اقدامی هماهنگ از سوی کشورهای دارنده تسلیحات و فناوری هسته‌ای با هدف حفظ انحصار هسته‌ای خود می‌دانستند (ElBaradei, 2009: 14). البته بین کشورهای در حال توسعه نیز اختلافاتی در مورد این پیشنهادات ایجاد شد. دولت هند خواهان آن بود که بانک سوخت هسته‌ای با تمامی کشورهای عضو و غیرعضو پیمان منع‌گسترش هسته‌ای همکاری داشته باشد. در مقابل مصر با هدف تحت فشار قراردادن اسرائیل، خواهان عدم همکاری بانک با کشورهای غیرعضو بود. به هر حال، به‌رغم همه این اختلافات و مخالفت‌ها در نهایت در ۲۷ نوامبر ۲۰۰۹ توافق شد که روسیه "اورانیوم با خلوص پائین" را برای ایجاد بانک سوخت هسته‌ای آماده نماید.

اوباما مانند بوش به دنبال تشویق سایر کشورها برای انصراف از داشتن چرخه سوخت هسته‌ای است. وی در تاریخ ۲۱ می ۲۰۰۹ یادداشت تفاهم هسته‌ای آمریکا و امارات عربی متحده را مورد تأیید قرار داد. همچنین اوباما از کنگره خواست با توجه به مزایای گسترده این توافق هر چه سریع‌تر آن را تصویب نماید. به باور دولت اوباما، تصویب یادداشت تفاهم با امارات و تبدیل این کشور به یکی از دارندگان انرژی هسته‌ای، می‌تواند الگوی موفق برای سایر کشورهایی باشد که می‌خواهند به شکل صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای استفاده نمایند. یکی از مهم‌ترین اهداف اوباما در این زمینه، تحت فشار قرار دادن کشورهایی است که به شکل بومی قصد دارند تمامی فرایند چرخه سوخت را داشته باشند. طبیعتاً مهم‌ترین کشور مورد هدف این طرح، جمهوری اسلامی ایران می‌باشد که مطابق قواعد آژانس در حال تکمیل نمودن چرخه سوخت داخلی است (Stein, 2009:1).

در این راستا، طی چند سال گذشته توافقات جدیدی بین دولت آمریکا و امارات برای تسریع در برنامه هسته‌ای این کشور و همچنین تضمینات بیشتر برای جلوگیری از منحرف شدن آن صورت گرفته است. به عنوان مثال در ۸ آوریل ۲۰۰۹ دولت امارات با هدف تضمین بیشتر "پروتکل الحاقی"<sup>۲</sup> به پیمان منع‌گسترش هسته‌ای را امضا نمود. همچنین دولت امارات متعهد شده است که به هیچ عنوان اجازه غنی‌سازی اورانیوم در خاک کشورش را نخواهد داد (The White House, April 2008: 5). همچنین در راستای اجرای محورهای یادشده، اوباما تاکنون توانسته است اقدامات بوش در این زمینه را با موفقیت پی‌گیری نماید و کشورهای دیگری چون عربستان، کویت، قطر و بحرین را

---

1. Low-Enriched Uranium (IEU)  
2. Additional Protocol

متقاعد به تسریع در تداوم مذاکرات و در نهایت نهایی نمودن توافقات هسته‌ای دوجانبه نماید.

با این وجود، تلاش دولت اوپاما در اجرای این سیاست با مشکلاتی نیز مواجه بوده است. به عنوان مثال، دولت اردن تاکنون یادداشت تفاهم هسته‌ای با آمریکا را که مطابق با الگوی امارات عربی متحده می‌باشد نپذیرفته است. دولت و کارشناسان این کشور، وجود شرطی مبنی بر انصراف از داشتن چرخه سوخت هسته‌ای را عاملی برای وابستگی همیشگی اردن به آمریکا و در نتیجه عدم پیشرفت داخلی دانسته‌اند. دولت اردن چندی پیش اعلام نمود یادداشت تفاهم هسته‌ای با آمریکا را تصویب نخواهد کرد و به جای آمریکا با کشورهای چون کره جنوبی همکاری خواهد نمود (Hibbs, 2009: 6). علاوه بر این، پیشنهادات هسته‌ای اوپاما در اجلاس پراگ و همچنین "کنفرانس بازبینی پیمان منع گسترش هسته‌ای"<sup>۱</sup> نیز با مخالفت کشورهای در حال توسعه و حتی متحدان آمریکا در خاورمیانه روبه‌رو شده است. در این دو اجلاس، دولت اوپاما ابتدا برای جلب نظر کشورهای در حال توسعه تعهد داد که اقدامات جدی‌تری را در زمینه فرایند خلع سلاح هسته‌ای در اولویت قرار دهد؛ در مقابل وی از کشورهای در حال توسعه خواست با هدف منع گسترش هسته‌ای از پیشنهادات آمریکا حمایت نمایند. پیشنهادات آمریکا در این دو اجلاس شامل موارد زیر می‌شد:

- محدود نمودن کمک‌های آژانس به کشورهایی که پروتکل الحاقی را پذیرفته‌اند، در مقابل کشورهایی که پروتکل الحاقی را نمی‌پذیرند نباید از منافع و کمک‌های فنی و تکنولوژیکی آژانس بهره‌مند گردند؛
- سخت‌تر نمودن شرایط برای خروج از پیمان منع گسترش، از جمله این که پرونده چنین کشورهایی به شکل خودکار به شورای امنیت انتقال داده شود؛
- کنار گذاشتن چرخه سوخت هسته‌ای از سوی کشورها، در مقابل تعهد آمریکا به تأمین سوخت هسته‌ای؛
- اعمال نظارت بیشتر بر انتقال مواد و کالاهای حساس و همچنین کالاهایی که می‌توانند استفاده دوگانه داشته باشند؛
- ایجاد بانک سوخت هسته‌ای برای تأمین سوخت مورد نیاز کشورهای عضو و غیرقانونی اعلان نمودن غنی‌سازی اورانیوم به شکل ملی با هدف کاهش احتمال ساخت تسلیحات هسته‌ای (Pomper, 2007:17).

به دنبال طرح این ایده‌ها، کشورهای در حال توسعه مخالفت خود را با سیاست دولت اوپاما اعلان نمودند. کشورهای در حال توسعه مدعی هستند، حمایت اوپاما از خلع سلاح هسته‌ای صرفاً جنبه ظاهری دارد و با هدف متقاعد نمودن سایر کشورها برای پذیرش محدودیت‌های بیشتر در دسترسی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای صورت می‌گیرد. بسیاری از کشورها از جمله ایران در اجلاس بازبینی پیمان منع گسترش هسته‌ای، خواهان انجام اقدامات جدی در زمینه خلع سلاح مطابق با قواعد روشن پیمان منع گسترش شدند. کشورهای دیگر چون مصر نیز هرچند از طرح اوپاما طرفداری نمودند، اما تعهد به آن را منوط به "خاورمیانه عاری از تسلیحات هسته‌ای"<sup>۱</sup> نمودند (Johnson, 2009:1-14). به عبارت دیگر، مصر حمایت خود از طرح اوپاما را منوط به خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل و عضویت این کشور در پیمان منع گسترش هسته‌ای نموده است. این مخالفت‌ها نشان داد که بسیاری از کشورها اعتماد چندانی به رویکرد و راهبرد هسته‌ای اوپاما ندارند و آن را صرفاً در راستای حفظ برتری کشورهای غربی می‌دانند (Pomper, 2008: 1-4).

دولت اوپاما برای کاهش این مخالفت‌ها و تسریع در اجرای طرح‌ها، همکاری بیشتر با روسیه را مد نظر قرار داده است. در این زمینه دولت آمریکا به خوبی می‌داند که موفقیت هرگونه طرح هسته‌ای بستگی به همراهی روسیه دارد. در نتیجه دولت اوپاما مذاکرات هسته‌ای با روسیه را مجدداً آغاز نموده است. در این بین دولت اوپاما برای همراه نمودن روسیه به این کشور امتیازاتی داده است. پذیرش طرح ایجاد بانک سوخت هسته‌ای در روسیه و تأیید قرارداد سالت جدید در این راستا قابل درک است. در واقع دولت آمریکا می‌خواهد با دادن این امتیازات، موافقت روسیه را برای جلوگیری از گسترش هسته‌ای، به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و تحمیل الگوی جدید موردنظر خود برای هسته‌ای شدن کشورهای در حال توسعه به دست آورد. از نظر آمریکایی‌ها همکاری روسیه با طرح‌های هسته‌ای آمریکا می‌تواند مخالفت کشورهای در حال توسعه را خنثی نماید. روس‌ها نیز این سیاست آمریکا را کاملاً در راستای منافع خود ارزیابی نموده‌اند. روس‌ها معتقدند حفظ انحصار هسته‌ای کشورهای دارنده تسلیحات هسته‌ای با منافع آن‌ها هماهنگی دارد. به علاوه، ایجاد یک مرکز غنی‌سازی اورانیوم در روسیه نه تنها می‌تواند برای این کشور درآمد هنگفتی به دنبال داشته باشد، بلکه به تقویت وابستگی کشورهای منطقه می‌انجامد. با توجه به این دلایل، روس‌ها تمایل فراوانی برای مشارکت در طرح‌های آمریکا دارند (The White House, April 2008: 5).



## نتیجه‌گیری

همان‌طور که از مفاد راهبرد هسته‌ای آمریکا در دوران بوش و همچنین اوپاما مشخص است، مهم‌ترین هدف راهبردی آمریکا در این زمینه، جلوگیری از گسترش توانمندی هسته‌ای به‌ویژه در میان کشورهای غیرمتحد می‌باشد. دولت آمریکا طی یک دهه گذشته تأکید فراوانی بر ایجاد بانک سوخت هسته‌ای و همچنین سخت‌تر نمودن میزان نظارت آژانس بر برنامه هسته‌ای کشورها داشته است، تا بدین ترتیب شرایط برای کنارگذاشتن فرایند غنی‌سازی اورانیوم فراهم گردد. راه عملی شدن این مسئله نیز در ارائه الگوی جدیدی از هسته‌ای شدن در نظر گرفته شده است. در این الگو که نمونه آن یادداشت‌تفاهم هسته‌ای آمریکا و امارات است، باید کشورها تعهداتی جدی برای کنارگذاشتن فرایند غنی‌سازی اورانیوم بدهند؛ در مقابل از امکان حمایت‌های فنی آمریکا برای ساخت نیروگاه هسته‌ای و تأمین سوخت بهره‌مند گردند. تضمین ارائه سوخت از طریق بانک سوخت هسته‌ای و نظارت بیشتر بر صادرات مواد حساس، از دیگر اقدامات موازی است که برای تقویت طرح، مورد توجه دولت آمریکا قرار گرفته است.

با این وجود، اجرای این راهبرد در عرصه عملی با مشکلاتی مواجه شده است، به شکلی که بسیاری از کارشناسان احتمال چندانی برای موفقیت آن قائل نیستند. اول این که به آسانی نمی‌توان انتظار داشت سایر کشورها از الگوی امارات عربی متحده پیروی نمایند و تعهدات مشابهی را بپذیرند. در منطقه خاورمیانه تنها امارات عربی متحده توافقات هسته‌ای با آمریکا را نهایی نموده است. در مقابل کشورهایی چون اردن و مصر که جزء مهم‌ترین متحدان آمریکا در منطقه محسوب می‌گردند، با صراحت مخالفت خود را با مفاد سنگین یادداشت تفاهم آمریکا اعلان نموده‌اند. در نتیجه دولت آمریکا تاکنون نتوانسته است الگوی خود را در منطقه خاورمیانه فراگیر نماید.

به علاوه، اگر جمهوری اسلامی ایران بتواند چرخه سوخت هسته‌ای کامل خود را تثبیت نماید، در این صورت طرح آمریکا در منطقه خاورمیانه شکست خواهد خورد. در واقع مهم‌ترین هدف راهبردی آمریکا از اجرای راهبرد جدید، اعمال فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران برای کنارگذاشتن چرخه سوخت داخلی و پیروی از الگوی شبیه امارات بوده است. در نتیجه، موفقیت جمهوری اسلامی در تثبیت نمودن چرخه سوخت هسته‌ای نه تنها می‌تواند هدف اولیه آمریکا را ناکام بگذارد، بلکه می‌تواند یک الگوی موفق از برنامه هسته‌ای بومی برای کلیه کشورهای در حال توسعه باشد. در این صورت، الگوی جمهوری اسلامی برای سایر کشورها که خواهان داشتن چرخه سوخت هسته‌ای هستند از جذابیت بیشتری برخوردار خواهد شد. بدیهی است، این وضعیت

مطلوب آمریکا و سایر کشورهای دارای انحصار هسته‌ای (پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل) نیست و برای رژیم صهیونیستی یک کابوس است.

تاکنون دولت اوباما نتوانسته سایر کشورهای دارنده فناوری‌های هسته‌ای را متقاعد به انتقال ندادن فناوری حساس هسته‌ای نماید، در نتیجه در صورتی که کشورها توانایی دسترسی به فناوری‌های حساس هسته‌ای از سایر کشورها را داشته باشند، دیگر ضرورتی برای پذیرش محدودیت‌های آمریکا، از جمله کنارگذاشتن داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم نخواهند داشت. به عنوان مثال، کشورهایی چون ترکیه، مصر و اردن ترجیح داده‌اند با کشورهایی چون روسیه همکاری هسته‌ای داشته باشند. بنابراین، اگر قرار است که راهبرد هسته‌ای اوباما موفق گردد، در این صورت آمریکا باید موافقت کشورهای بزرگ هسته‌ای چون روسیه و فرانسه را برای رعایت طرح الگوی آمریکا به دست آورد. با این وجود، روسیه و فرانسه تاکنون چندان موافق طرح الگوی آمریکا نبوده‌اند و بدون پذیرش کنارگذاشتن چرخه سوخت با بسیاری از کشورها همکاری نموده‌اند.

در نهایت با توجه به مجموعه این مباحث باید گفت باراک اوباما تغییرات اساسی در راهبرد هسته‌ای دولت بوش به وجود نیاورده است. بنابراین، راهبرد هسته‌ای اوباما را باید در ادامه راهبرد هسته‌ای دولت بوش مورد ارزیابی قرار داد. علت اصلی این امر نیز به تداوم عواملی برمی‌گردد که طی یک دهه گذشته مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه علمی و امنیتی آمریکا بوده است. مطالعه راهبردهای هسته‌ای آمریکا تاکنون نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های این کشور جلوگیری از گسترش توانمندی هسته‌ای در کشورهای اسلامی و به‌ویژه خاورمیانه بوده است. با این وجود، طی اوایل دهه جاری اتفاقاتی روی داد که این هدف به مهم‌ترین محور راهبرد هسته‌ای آمریکا در زمان بوش و اوباما تبدیل شد. آشکارشدن برنامه هسته‌ای ایران، گسترش نقل‌وانتقالات مواد حساس هسته‌ای توسط شبکه‌های غیرقانونی و احتمال شکل‌گرفتن تروریسم هسته‌ای، روی هم رفته باعث افزایش نگرانی آمریکا در مورد گسترش تسلیحات هسته‌ای شدند. از طرف دیگر، آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانند که با توجه به نیاز روبه‌افزایش کشورها به انرژی هسته‌ای و پذیرش غنی‌سازی اورانیوم در چارچوب قواعد پیمان منع‌گسترش هسته‌ای، امکان چندان برای ممانعت از گسترش هسته‌ای فراهم نیست. با توجه به این شرایط در زمان بوش تغییراتی اساسی در راهبرد هسته‌ای آمریکا داده شد که همان سیاست‌ها در دوران اوباما نیز تداوم پیدا نموده‌اند. محور اصلی راهبرد آمریکا تضمین امنیت رژیم صهیونیستی از طریق حفظ انحصار هسته‌ای و برتری نظامی هسته‌ای این رژیم در منطقه و جلوگیری از دسترسی سایر کشورهای منطقه به توانمندی بومی هسته‌ای می‌باشد.

## منابع

1. Cellman, Barton (3 March 2002), "Fears Prompt US to Beef up Nuclear Terror Detection", Sensors Deployed Near D.C, Borders, Delta Force on Standby, the Washington post.
2. Blanchard, Christopher and Kerr, Paul (December 23, 2009), "the United Arab Emirates Nuclear Program and Proposed U.S. Nuclear Cooperation", at: <http://www.fas.org/sgp/crs/nuke/R40344.pdf>.
3. Bush, George W (February 2004), "Speech on Nonproliferation", at: [http://preview.armscontrolcenter.org/policy/nonproliferation/articles/presidents\\_np\\_speech](http://preview.armscontrolcenter.org/policy/nonproliferation/articles/presidents_np_speech).
4. Crail, Peter and Lasky-Fink, Jessica (May2008), "Middle Eastern States Seeking Nuclear Power," *Arms Control Today*, at: [www.armscontrol.org/node/2993](http://www.armscontrol.org/node/2993)
5. Daryl G, Kimball and Pomper, Miles A (November 2008), "Fresh Start? An Interview with Russia's Ambassador to the United States Sergey Kislyak," *Arms Control Today*, at: [http://www.armscontrol.org/20081114\\_Kislyak](http://www.armscontrol.org/20081114_Kislyak)
6. ElBaradei, Mohamed (May 2009), "Proposal for the Establishment of an IAEA Low Enriched Uranium (LEU) Bank", International Atomic Energy Agency, GoV/2009/31.
7. Group of Eight (G8) (June, 9, 2004), "G8 Action Plan on Nonproliferation", Sea Island, Georgia, at: [http://www.canadainternational.gc.ca/g8/summitsommet/2004/non\\_profileration\\_090604.aspx](http://www.canadainternational.gc.ca/g8/summitsommet/2004/non_profileration_090604.aspx).
8. Hibbs, Mark (May 2009), "Jordan Holding off on Agreeing to Terms for Cooperation with US," *Nucleonics Week*.
9. International Atomic Energy Agency (IAEA) (September 2005), Communication Dated 28 September 2005 from the Permanent Mission of the United States of America to the Agency, INFCIRC/659.
10. Johnson, Rebecca (June 2009), "Enhanced Prospects for 2010: An Analysis of the Third PrepCom and the Outlook for the 2010 NPT Review Conference," *Arms Control Today*.
11. Kadry Said, Mohamed (September 2009), "Civil Nuclear Energy Proliferation Challenges and Implications for the Middle East, at: [www.icnnd.org/research/Kadry\\_Civil\\_Middle\\_East.pdf](http://www.icnnd.org/research/Kadry_Civil_Middle_East.pdf)
12. Pomper, Miles (2010), "US International Nuclear Energy Policy: Change and Continuity", Nuclear Energy Future Paper No, at: [www.cigionline.org](http://www.cigionline.org).
13. Nikitin, Mary Beth (March 2010), "CRS Report RL34234, Managing the Nuclear Fuel Cycle: Policy Implications of Expanding Global Access to Nuclear Power", at: [www.fas.org/sgp/crs/nuke/RL34234.pdf](http://www.fas.org/sgp/crs/nuke/RL34234.pdf)
14. Nuclear Posture Review Report, (2010) at: [www.spiegel.de/media/0,4906,23115,00.pdf](http://www.spiegel.de/media/0,4906,23115,00.pdf)
15. Nuclear Posture Review(2002), at: <http://www.globalsecurity.org>
16. Obama, Barack and Biden, Joe (2010), "New Energy for America", at: [www.barackobama.com/pdf/factsheet\\_energy\\_speech\\_080308.pdf](http://www.barackobama.com/pdf/factsheet_energy_speech_080308.pdf)

17. Obama, Barack (April 2009), "Remarks of President Barack Obama", Prague, at: [www.whitehouse.gov](http://www.whitehouse.gov)
18. Pomper, Miles (2007), "GNEP Watch: Developments in the Global Nuclear Energy Partnership," GNEP Watch. No.2. Centre for International Governance Innovation.
19. Pomper, Miles A (2009), "Report from the NPT Preparatory Committee 2009," James Martin Center for Nonproliferation Studies, at: [cns.miis.edu](http://cns.miis.edu)
20. IAEA Staff Report (2005), "Board Moves to Strengthen Nuclear Safeguards System", at: [http://www.iaea.org/NewsCenter/News/2005/strengthening\\_sg.html](http://www.iaea.org/NewsCenter/News/2005/strengthening_sg.html)
21. Stein, Aaron (August 2009), "Issue Brief: US-UAE Cooperation," Nuclear Threat Initiative, at: [http://www.nti.org/e\\_research/e3\\_uae\\_us\\_cooperation.html](http://www.nti.org/e_research/e3_uae_us_cooperation.html).
22. The White House (April 2008), "US-Russia Strategic Framework Declaration", at: <http://moscow.usembassy.gov/sochi-declaration-040608.html>